



حمایت‌های مادرانه و پدرانه

مریم سالاری و قربان حوران‌فر، پدر و مادر صالح جوان هستند که امروز می‌توانند به پسر کوچکشان افتخار کنند. مریم خانم وقتی می‌خواهد از صالح برای ما بگوید، انگار دنیایی از کلمات و تعاریف در ذهنش جای می‌گیرد که نمی‌داند کدام را انتخاب کند اما در نهایت خیلی ساده و مادرانه می‌گوید: خدا را شکر از همه نظر عالی است. هیچ وقت در کوچه دنبال صالح نبودم. یادم می‌آید از بچگی فقط با اسباب بازی هایش بازی می‌کرد و سرش با آن‌ها گرم بود. همیشه حرف گوش کن بود و وقتی جایی می‌خواست برود، از من و پدرش اجازه می‌گرفت. به گفته او صالح از همان بچگی، خلاق و اهل مطالعه بود. به جزئیات دقت می‌کرد و حافظه خوبی برای پردازش اطلاعات داشت. از سکوت چشمان پدر صالح هم می‌توان عمق نگاه و آرزویش را خواند و وقتی خیلی صاف و ساده فقط می‌گوید: به خاطر رتبه‌ای که آورده برایش خیلی خوشحالم و تنها آرزویم این است که آینده روشنی داشته باشد و برای کشورش مفید باشد.

خواهران فداکار

پریسا و پری مهر، خواهران بزرگ‌تر صالح هستند که از هیچ کمکی برای نشان دادن لبخند بر لب برادرشان و کاشتن بذرا امید در دل او دریغ نمی‌کنند. پریسا همان خواهری است که در مسابقات ملی مهارت، به همراه همسرش اسماعیل سالاریان شاد، شبانه بار سفر بستند و عازم تهران شدند تا آن قطعه حساسی را که دانشمند جوان مانیا از دست داشت، برایش تهیه کنند. سالاریان می‌گوید: وقتی صالح ماجرا را گفت، ابتدا من و پریسا گفتیم با قطار به تهران می‌رویم، اما اگر می‌خواستیم بلیت تهیه کنیم و راه بیفتیم، زمان زیادی می‌برد. همسر گفت خودمان راه بیفتیم برویم. پریسا هم که خودش مربی خلاقیت است، پای صالح را به فرهنگ سراهای شهر برای تدریس باز کرده. او خاطره جالبی برایمان تعریف می‌کند. ماجرا مربوط به حضور صالح در یک جشنواره رباتیک در حوزه نظامی می‌شود که برای ساخت و تجهیز آن حدود ۴۰ میلیون تومان نیاز بود؛ وضع مالی ما آن طور نیست که بخواهیم این مقدار را به راحتی تهیه کنیم. من و خواهر و مادرم فکرمان را روی هم گذاشتیم و در نهایت تصمیم گرفتیم طلاهایمان را بفروشیم تا برادرمان به آنچه می‌خواهد برسد. داشتن خانواده‌ای پرمهر در دنیای رنگارنگ امروز، گنجی عظیم است. صالح همین که خانواده‌ای حامی دارد، بزرگ‌ترین ثروت دنیا را دارد.

درخشش بچه‌های خراسان

صالح تاکنون بیش از دوازده ربات ساخته که برخی از آن‌ها، به مسابقات راه پیدا کرده است و توجهات مراکز علمی رامی‌تواند به خود جلب کند؛ از جمله ربات دستیار پزشکی که به صورت دستکش روی دست بیمار قرار می‌گیرد و کارکردهای جالبی دارد. از جمله اینکه می‌تواند برای افرادی که نیاز به توان بخشی دارند، مورد استفاده قرار گیرد. از طرفی بیماران با این دستیار، می‌توانند فشارخون، میزان قند و چربی خون و بسیاری موارد را که مربوط به تعیین سلامت است، در منزل بسنجند. همچنین پزشکان در عرض چند ثانیه، اطلاعات مورد نیاز خود از بیمار را به راحتی دریافت می‌کنند. همچنین به تازگی صالح و علیرضا مدبری، هم تیمی او از شهر تربت حیدریه (به نمایندگی از استان خراسان رضوی) در بیست و دومین دوره مسابقات ملی مهارت ایران شرکت کردند و توانستند با ربات هوش مصنوعی تشخیص رنگ و نوع میوه، مدال طلای این رقابت‌ها را به دست آورند.

نقطه طلایی

حالا صالح بزرگ‌تر شده و بعد از شرکت در چندین مسابقه، با حمایت‌های پژوهش‌سرای ابوریحان بیرونی، در بیست و دومین مسابقات ملی مهارت ایران حضور یافته است. او به تنهایی مراحل را گذراند و به مرحله استانی راه یافت. در مرحله کشوری، او و برگزیده دیگری از تربت حیدریه که علیرضا مدبری نام دارد، به عنوان نماینده تیم دانش‌آموزی رباتیک خراسان رضوی، در این دوره از مسابقات شرکت کردند؛ مسابقه‌ای که طلای آن به راحتی به دست نیامد. ما بیست روز بعد از اعلام پروژه فرصت ساخت ربات را داشتیم. همه چیز با برنامه ریزی داشت خوب پیش می‌رفت. آزمایش‌های نهایی را هم انجام داده بودیم تا اینکه یکی از قطعات حساس ربات ما خراب شد. حساسیت ماجرا اینجاست که بعد از پیگیری‌های فراوان، صالح و تیمش، متوجه شدند از آن قطعه، فقط یک شرکت تهرانی موجود دارد. آن قطعه اگر قرار بود به صورت عادی خریداری شود، حداقل دوسه روز طول می‌کشید تا به دستشان برسد. باز هم حمایت خانواده، صالح را به آنچه می‌خواست رساند. پریسا، خواهر بزرگ‌تر صالح، به همراه همسرش با خود رو شخصی به سمت تهران راه افتادند. آن قطعه حساس را خریدند و با اولین پرواز به دست صالح و هم تیمی هایش رساندند و در نهایت، تیم خراسان رضوی از میان شانزده تیم شرکت‌کننده، به عنوان رتبه برتر شناخته شد و مسیر طلایی صالح کلید خورد.

تشویق‌های اثراگذار

که بسیاری نشان، حمایت موتور حرکتشان، علم‌های تخصصی هم؛ «معلم کلاس یازدهم به جالب، این جمله ساده من مانده و برایم ارزشمند هایش را به مدیر نشان داد کت در مسابقات رباتیک

بحان بیرونی نیز در همان فکاد که باعث شد انگیزه سیر برایش روشن تر شود.

سم به توصیه معلم درس نمایشگاه هفته پژوهش مایشگاه بین‌المللی برگزار نا نویی ساخت و آن را به شگاه آقای کفایش، مسئول یتی کارم را دید. از آن تعریف بعد از نمایشگاه بیاروی

ل هم مثل بقیه که اغلب دادند، حرفی در شلوغی است؛ به همین دلیل آن نگرفت تا اینکه بعد از یک آموزشی به محل تحصیل ش اسم مدرسه ام را یادش ت به پژوهش سرایبایم. در و برای اتاق آزمایش‌های ین دیدار ادامه پیدا کرد رتباط و همکاری دارد. تبدیل شده است نر جو در سنین

استعدادهایی که دیده نمی‌شود

مهری نخعی که دوسالی است مدیر پژوهش‌سرای ابوریحان بیرونی شده است صالح و همه بچه‌ها را همچون فرزندان خود دوست دارد و دغدغه‌های روشن و مهمی نیز برای پیشرفت کاری آن‌ها دارد. او از اینکه ملاک ارزیابی بچه‌های خلاق همچون صالح از سوی مدیران مدارس همچنان معدل است نه استعدادهای ذاتی و نبوغشان، گلایه دارد؛ «بچه‌های پژوهش‌سرا هر کدام استعدادهای فراوانی دارند که متأسفانه از آن‌ها آن طور که باید و شاید، حمایت نمی‌شود. این بچه‌ها با کمترین امکانات و تجهیزات با هزینه‌های شخصی خود، دست به اختراع می‌زنند اما مدیران به کارهای آن‌ها، نگاه پیش پا افتاده‌ای دارند». بانخعی گشتی در اتاق‌ها و فضاهای پژوهشی پژوهش‌سرای زینم که از گوشه و کنار آن، بوی نوآوری و امید به آینده می‌آید. یکی دیگر از اعضای جوان مجموعه، درحال انتقال خود رویی تک سر نشین به نمایشگاه بین‌المللی مشهد برای ارزیابی کیفیت است که با انرژی خورشیدی، تغذیه می‌شود؛ نخعی به این ماشین اشاره می‌کند و می‌گوید: همین کار شاید به نظر ساده بیاید اما ساخت آن با هزار امید و آرزو ساخته شده است که اگر حمایت نشود، می‌تواند یک انگیزه قوی را به زمین بزند.

